

«TENSES IN ENGLISH»

- 1- من قهوه دوست دارم.
- 2- او شاد است.
- 3- هر روز ساعت 7 از خواب بیدار می شود.
- 4- مینا ماهی یک بار به مادر و پدرش نامه می نویسد.
- 5- ما دوست داریم به دیگران کمک کنیم.
- 6- جان موسیقی دوست ندارد.
- 7- من معمولاً سعی میکنم دروغ نگویم.
- 8- آیا بچه های شما آخر هفته ها به کوهنوردی میروند؟
- 9- آیا آنها شبها فیلم مورد علاقه شان را تماشا می کنند؟
- 10- آیا هیچوقت به والدینت سر می زنی؟
- 11- آیا تو هیچوقت به درگاه خداوند دعا می کنی؟
- 12- به نظر من، بهار بهترین فصل سال است.
- 13- او همیشه ترجیح میدهد درسهایش را به دقت مطالعه کند.
- 14- من دوست دارم پدرت به من انگلیسی درس بدهد.
- 15- او ترجیح میدهد مادرتان آشپزی کند.
- 16- متأسفانه او بعضی اوقات کمی دیر می کند. (تاخیر دارد)
- 17- بعضی اوقات هوش او باعث می شود نتایج خوبی بگیریم.
- 18- من واقعاً میل دارم یک فنجان قهوه بخورم.
- 19- من همیشه سعی میکنم سر موقع آنجا باشم.
- 20- او همیشه از من انتظار دارد صبور باشم.

- 21- من معمولاً به بچه هایم اجازه نمیدهم تنها بیرون بروند.
- 22- دارم کتاب می خوانم.
- 23- او اکنون دارد چای می خورد.
- 24- مادرم دارد در آشپزخانه آشپزی می کند.
- 25- جا چرا اخم کردی؟
- 26- چرا داری به من چشم غره میروی؟
- 27- من دارم سعی میکنم این مسئله ریاضی را حل کنم.
- 28- من فردا دارم به مسافرت می روم.
- 29- هفته ی بعد دوستم دارد می آید من را ببیند.
- 30- آیا او دارد انگلیسی صحبت می کند؟
- 31- کودک را تین نام نهادند.
- 32- تابستان گذشته در یک رستوران کار می کرد.
- 33- آنها هر جمعه تنیس بازی می کردند.
- 34- خیلی وقت پیش ها مردم امکانات بیشتری برای زندگی داشتند.
- 35- من از دست او خیلی عصبانی بودم.
- 36- آنها سه روز پیش به فرانسه سفر کردند.
- 37- آنها چند روز پیش کل حقیقت را فهمیدند.
- 38- او از من خواهش کرد بهش کمک کنم.
- 39- من همیشه سعی می کردم بهترین تصمیم را بگیرم.
- 40- او معمولاً ترجیح می داد تنها به سفر برود.
- 41- او بعضی اوقات من را مجبور می کرد تا دیر وقت درس بخوانم.
- 42- من معمولاً شب ها تا دیر وقت بیدار می ماندم.

- 43- او سابقا یک نجار بود.
- 44- او سابقا در این کارخانه کار می کرد.
- 45- پدرم سابقا یک نویسنده حرفه ای بود.
- 46- آیا تو بچه هایت اجازه می دهی سرت داد بزنند؟
- 47- آیا او هر شب دیر به خانه بر نمی گشت؟
- 48- آیا پسرت از زندگی اش راضی بود؟
- 49- آیا دوستانت به تو حسادت نمی کردند؟
- 50- تنبلی او بعضی اوقات باعث می شد فرصت های بزرگی را از دست بدهم.
- 51- من از او انتظار نداشتم اشتباهات پسرش را نادیده بگیرد.
- 52- در گذشته جوان ها به افراد مسن بیشتر احترام می گذاشتند.
- 53- او سابقا یک هفته در میان به شنا می رفت.
- 54- وقتی تلفن کردی مشغول خوردن چایی بودم.
- 55- وقتی داشتم از خیابان رد می شدم او را دیدم.
- 56- وقتی داشت تلویزیون تماشا می کرد، ما داشتیم فرانسه مطالعه می کردیم.
- 57- دیروز کل روز داشتم انگلیسی مطالعه می کردم.
- 58- چکار داشتی می کردی وقتی وارد اتاق شدم؟
- 59- وقتی آمد من مشغول غذا پختن بودم.
- 60- او داشت خیلی ماهرانه ویولن می زد.
- 61- وقی داشت سخنرانی می کرد، مایلش شروع به زنگ زدن کرد.
- 62- من از دیشب تا حالا چیزی نخورده ام.
- 63- آنها سه روز است به من زنگ نزده اند.
- 64- از روز تولدش تا حالا او را ندیده ام.

- 65- او کفش هایش را تمیز کرده است.
- 66- تا کنون سه تا دعوتنامه نوشته اند.
- 67- از هفته پیش تا حالا، دو دفعه درس هایم را به دقت دوره کرده ام.
- 68- از سه هفته پیش تا حالا، حداقل چهار دفعه ماشینش را شسته است.
- 69- از چهار ماه پیش تا حالا، سه دفعه به ایتالیا رفته است.
- 70- در طول سه سال گذشته، دانشمندان ایرانی چیزهای جدید زیادی کشف کرده اند.
- 71- در طول دو هفته اخیر، اکثر مشکلات موجود در این شرکت را حل کرده ام.
- 72- در طول تاریخ، افراد موفق زیادی وجود داشته اند.
- 73- از وقتی به اینجا آمده ام، دو دفعه به او زنگ زده ام.
- 74- از وقتی ازدواج کرده، خیلی سرحال شده است.
- 75- از وقتی اعتیادش را ترک کرده، خیلی سرحال شده است.
- 76- من تازه کارم را تمام کرده ام.
- 77- او اخیراً موزه را دیده است.
- 78- من قبلاً همه چیز را فهمیده ام.
- 79- او هنوز به خانه برنگشته است.
- 80- من هرگز او را ندیده ام.
- 81- آیا هرگز به فرانسه رفته ای؟
- 82- آیا هرگز به فرانسه نرفته ای؟
- 83- آیا هرگز در کلاس های انگلیسی شرکت کرده ای؟
- 84- من حدس میزنم آنها هنوز تصمیم نهایی شان را نگرفته اند.
- 85- از آن موقع به بعد او را حمایت نکرده است.
- 86- از آن موقع به بعد آنها به من زنگ نزده اند.

- 87- از آن موقع به بعد دوستم کار های بد انجام نداده است.
- 88- این خانه سه سال است که بازسازی شده است.
- 89- این شرکت حدودا چهار سال است که تاسیس شده است.
- 90- از دیشب تا حالا دارم به یک راه حل بهتر فکر میکنم.
- 91- از صبح تا حالا دارد گریه می کند.
- 92- من سه سال است که دارم در یک شرکت خصوصی کار میکنم.
- 93- از وقتی باران بند آمده، دارند توی حیاط فوتبال بازی می کنند.
- 94- او الان چهار ماه است که دارد روی یک پروژه ی بزرگ کار می کند.
- 95- من دو ساعت است که مشغول خواندن این کتاب هستم.
- 96- من نیم ساعت است که مشغول صرف شام هستم.
- 97- چه مدت است که انتظار اتوبوس را می کشید؟
- 98- از کی اینجا منتظر من هستی؟
- 99- چه کار داری می کنی از وقتی که رسیدی؟
- 100- وقتی رسیدم آنجا او تازه به خانه برگشته بود.
- 101- وقتی تو به من زنگ زدی او مرده بود.
- 102- قبل از اینکه تو بیایی تو همه چیز را فهمیده بود.
- 103- وقتی آمد من هنوز کارم را تمام نکرده بودم.
- 104- آیا هنگامی که به روستا رسیدید هوا تاریک نشده بود.
- 105- وقتی شما رسیدید من دو ساعت بود که داشتم کتاب می خواندم.
- 106- وقتی تو به من زنگ زده سه ساعت بود که خوابیده بود.
- 107- آیا علی قبل از اینکه به انگلستان برود در ایران مشغول فراگرفتن انگلیسی بود؟
- 108- چه مدت تدریس می کردید وقتی که به اینجا آمدید؟

- 109- آیا زمانی که به آن شرکت رفتید در جایی کار می کردید؟
- 110- مطمئن باش او همه چیز را به زودی خواهد فهمید.
- 111- آنها فرار نخواهند کرد.
- 112- آنها یک اردوگاه جدید اینجا خواهند ساخت.
- 113- من میدانم آنها به تو اجازه نخواهند داد که تنهایی به آنجا بروی.
- 114- او مقداری پارچه خریده است. قصد دارد لباس بدوزد.
- 115- او ماشین را فروخته است. تا آنجایی که من شنیده ام قصد دارد یک خانه بزرگ بخرد.
- 116- من فردا شب این موقع دارم توی عروسی برادرم می رقصم.
- 117- هفته ی بعد این موقع دارم امتحان ریاضی می دهم.
- 118- دو ماه بعد این موقع دارم در دریا شنا می کنم.
- 119- او فردا از ساعت 8 تا 9 صبح دارد روی پروژه اش کار می کند.
- 120- فردا در چنین وقتی آنها مشغول تهیه غذا خواهند بود.
- 121- وقتی تو به خانه برسی ما مشغول تماشای تلویزیون خواهیم بود.
- 122- وقتی مریم تلفن کند آنها مشغول شام خوردن خواهند بود.
- 123- درست وقتی که ما وارد شویم او در حال رفتن خواهد بود.
- 124- تا فردا طرح خود را تمام خواهم کرد.
- 125- تا قبل از تاریک شدن هوا تکلیفش را به پایان خواهند رساند.
- 126- تا هفته ی بعد خواهرم یک ماه است که اینجا است.
- 127- او می گوید تا فردا پروژه را تمام خواهد کرد.
- 128- او می گوید تا سه روز دیگر پروژه را تمام خواهد کرد.
- 129- تا تو برگردی من شام را آماده خواهم کرد.
- 130- تا ساعت ده کتاب تو را تمام خواهم کرد.

- 131- تا شما برگردید آنها پل را ساخته اند.
- 132- تا ماه بعد این موقع این کتاب را ویرایش کرده ام.
- 133- تا ماه بعد این موقع ویرایش این کتاب را کرده ام.
- 134- قبل از اینکه او برگردد ما تکالیفمان را تمام کرده ایم.
- 135- تا سال بعد دولت شهر ما را بازسازی کرده است.
- 136- تا فردا دو ماه است که دارم روی این پروژه کار می کنم.
- 137- تا ساعت شش به مدت سه ساعت است که من مشغول مطالعه می باشم.
- 138- تا هفته ی بعد من به مدت 10 سال است که در منزل فعلی ام زندگی می کنم.
- 139- تا سه هفته ی بعد من به مدت 10 سال است که در منزل فعلی ام زندگی می کنم.
- 140- او تصور می کرد که می تواند گزارش را تا ساعت 5 تمام کند.
- 141- من می دانستم او قبول نمی شود.
- 142- او قول داد دیگر اشتباه تکرار نخواهد شد.
- 143- من مطمئن بودم او نمی تواند نتیجه ی خوبی بگیرد.
- 144- او گفت کتاب را خواهد نوشت.
- 145- تو واقعا می دانستی که او پشیمان می شود.
- 146- آنها گفتند هفته ی آینده در حال سفر به کشور ایران خواهند بود.
- 147- او گفت تا ماه آینده کتاب را تمام می کند.
- 148- او گفت نامه ها را تا ساعت 8 ترجمه می کند.
- 149- او گفت تا ماه آینده به مدت 2 ال است که در ایران زندگی می کند.
- 150- او می گوید که من را قبلا دیده است.
- 151- او گفت که من را قبلا دیده است.
- 152- من می دانم چه کسی او را تنبیه کرد.

- 153- من حدس میزنم چرا او دیشب مهمانی را زود ترک کرد.
- 154- من میدانم چرا دیروز آنها خیلی عصبانی بودند.
- 155- من میتوانم حدس بزنم چه چیزی باعث شد او به مهمان ها اهانت کند.
- 156- من مطمئن هستم آنها اعدام نخواهند شد.
- 157- من مطمئن بودم آنها اعدام نخواهند شد.
- 158- این نکات معمولاً در اکثر کلاس ها تدریس می شوند.
- 159- این ساختمان قدیمی در حال بازسازی است.
- 160- این کتاب تا حالا سه دفعه منتشر شده است.
- 161- دیشب من تحت تاثیر حرف های او قرار گرفتم.
- 162- همه جا از برف پوشیده شده بود.
- 163- این قوانین قبلاً وضع شده اند.
- 164- این مساله هنوز اثبات نشده است.
- 165- وقتی تو به من زنگ زدی داشتم توسط پدرم تنبیه می شدم.
- 166- وقتی وارد اتاق شدم یکی از دوستانم داشت توسط معلم سرزنش می شد.
- 167- وقتی رسیدم آنجا او تازه کشته شده بود.
- 168- جا به راحتی تحت تاثیر قرار گرفت.
- 169- من مطمئن هستم که تمام مشکلات شما خود به خود حل خواهند شد.
- 170- تمام نکات تا فردا درس داده خواهند شد.
- 171- من مطمئن بودم او انتخاب نمی شود.
- 172- او گفت تا فردا تمام نکات درس داده خواهند شد.
- 173- سه سال است که این ساختمان بازسازی شده است.
- 174- سال گذشته از پدرم درخواست شد تا در یک کنفرانس سخنرانی کند.

- 175- از شما انتظار می رود صبور باشید.
- 176- از مسئولین انتظار می رود امکانات کافی برای جوان ها فراهم کنند.
- 177- هفته ی پیش به یک مهمانی بزرگ دعوت شدم.
- 178- بالاخره او مجبور شد همه چیز را فاش کند.
- 179- آنها مجبور شدند از روش دیگری استفاده کنند.
- 180- به نظر من این نکات باید (لازم اند) در کلاس کاملاً توضیح داده شوند.
- 181- من میدانم که پدرم به عنوان بهترین معلم انتخاب خواهد شد.
- 182- این نامه لازم است (باید) دوباره تایپ شود.
- 183- او مستحق بود که اعدام شود.
- 184- این نامه قرار است که دوباره تایپ شود.
- 185- قوانین جدید قرار است دوباره به دقت مورد ملاحظه قرار گیرند.
- 186- رفتار اشتباه او باعث شد خیلی از کارمندان توسط مدیر سرزنش شوند.
- 187- مسلماً از بچه ها انتظار نمی رود که همه چیز را بدانند.
- 188- به نظر من این ساختمان باید هر چه سریع تر بازسازی شود.
- 189- سرانجام متهم توسط نیروهای پلیس دستگیر (بازداشت) شد.
- 190- هر ساله از بعضی از دانشمندان خارجی دعوت می شود به ایران سفر کنند.
- 191- او می ترسد گم شود (او از گم شدن می ترسد).
- 192- او به اعدام محکوم شد.
- 193- او به کشتن همسرش متهم شد.
- 194- بعضی از اشتباهات بچه ها باید توسط والدین نادیده گرفته شوند.
- 195- متأسفانه به او اجازه داده نشد در جلسه شرکت کند.
- 196- این کتاب معمولاً ترجیح داده می شود.

197- خوشبختانه به آنها از لحاظ مالی کمک شد.

198- بدون شک پیشنهاد تو قبول خواهد شد.

199- واضح است که او تبرئه خواهد شد.

200- بانک کنار خانه ی ما دیشب غارت شد.